سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر

ضمیمه

پیکار ۶۲

۲ صفحه

سال دوم - دوشنبه ۱۶ تیر ۱۳۵۹ بها ۵۰ ریال

تئوری رزمندگان در مورد ساخت جامعه و نتایج سیاسی آن

مبارزه ایدئولوژیک بمنظور تهذیب تفکر پرولتاریا و زدودن انحرافات گوناگون و ایستادن راههای نفوذ رویزیونیستها، اپورتونیستها و ... به درون جنبش کمونیستی و کارگری و دمکراتیک، صرف نظر از ضرورت همیشگی این بعنوان جزئی لاینفک از مبارزه طبقاتی، در شرایط بحرانی جوامع اهمیت بمراتب بیشتری می یابد، چرا که در دوران آرام و عادی که مسئله تدارک برای فرا رسیدن روزهای دور مطرح بوده و وحدت مبارزه طبقاتی چندان محسوس و ملموس نیست، جلوه های رنگارنگ انحرافات نیز بروشنی مشهود نمی گردد. در دوران بحرانی است که نیروهای سیاسی مختلف جایگاه مشخص طبقاتی خود را بازمی یابند، سمت گیری آنها مشخص تر شده و در آرایش طبقاتی نقش تاریخی خویش را ایفا می نمایند. در دوران بحران و تشدید مبارزه طبقاتی و تشدید بحرانهای این مبارزه است که انحرافات و بینش های نادرست و جلوه های گوناگون آنها آشکار شده و در عین حال خطر این انحرافات در جنبش مقاطعی در به بیراهه کشاندن جنبش انقلابی توده ها و وارد آوردن ضربات جدی بر این جنبش افزون میگردد. آری، بویژه در چنین زمانی است که نیروهای سیاسی طبقه کارگر در صورت فقدان درک روشن و صحیح از مسائل اساسی و مبرم جامعه و جنبش (ساخت اقتصادی - اجتماعی جامعه، قدرت سیاسی، آرایش طبقاتی، استراتژی و تاکتیک و ...) نه تنها قادر نخواهند بود توده های زحمتکش را به مسیر صحیح و اصولی مبارزه هدایت کرده و آنها را رهبری نمایند، بلکه موجد آنچنان انحرافات و تاملیهائی خواهند گشت که در نهایت نه تنها نیرو رزواری است ما با توجه به اهمیت چند برابر مبارزه ایدئولوژیک در شرایط فعلی و با توجه به توان خود و در ادامه تلاشهای پیشین مان با انحرافات و گرایشات رویزیونیستی، اپورتونیستی موجود در نیروهای جنبش کمونیستی و انقلابی میهن مان مبارزه می کنیم تا در پرتو گسترش و تعمیق این مبارزات از یکسو انحرافات گوناگون (بویژه رویزیونیسم در اشکال و رنگهای گوناگون بعنوان خطر اصلی جنبش کمونیستی) ریشه کن شده و در هم کوبیده شوند و از سوی دیگر آن نیروهای واقعا پرولتری که در شرایط کنونی در کردار ناشی از ایدئولوژیک، خرده کاری، تفرقه و پراکندگی سیاسی و تشکیلاتی گرفتار شده اند توفیق یابند تا به کردار سیاسی و مشی پرولتری دست یابند، ایجادی اصولی و مستحکم زده و زمینه های مقدماتی ایجاد حزب طبقه کارگر فراهم گردد. باید توجه داشت که دست یابی به اهداف فوق وقتی میسر است که محور مبارزه ایدئولوژیک نه مسائلی غیرضروری و بعنوان بابتی برای اقناع کنجکاوی های روشنفکرانه خرده بورژوائی و یا محدود تکریهای گروه گرایانه، بلکه در راستای یا تحکیمی به سازهائی که رابطه مستقیم، روشن و اساسی با شرایط محول انقلابی جامعه دارند، باشد. از اینرو روشن است که تحت تراکم بعضی ارضای تمایلات روشنفکرانه خرده بورژوائی هرگز مورد اقبال ما نبوده و نمیکوشیم که از آنها می توان خویش در جهت رفع معضلات جنبش کمونیستی و دمکراتیک میهنمان بود و خوشیم، جنبشی که در سیر پویا و تکاملی خود میرود تا تغییرات بنیادین را بوجود جنبشمان موجب گردد.

برخورد ما به مواضع "سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر" دقیقا از همین دیدگاه برخاسته و همین اهداف را جستجو میکند. طبیعی است که بعلت وجود یک سلسله اختلافات میان ما و این رفقا، این نوشته در

چرا رزمندگان در تحلیلها، تبلیغات و نوشته های تروریستی این از مرحله فعلی انقلاب به صراحت سخن نمی گویند؟ چرا مسجدین پرولتاریا را در این مرحله از انقلاب نشان نمی دهد؟ و بسیاری چراهای دیگر.

حد و توان آن نیست که به تمامی این اختلافات بپردازد بلکه تنها بر آغازی برای تبادل فکر جامع و اساسی تئوریک این رفقا و بررسی اساسیات سیاسی، عملی و تشکیلاتی آنان بوده و کمبودهای این مبارزه و ادامه و تعمیق آن در زمره کارهای آتی ما خواهد بود.

اولین سخن از مجموعه تفکر فوق الذکر که در پای آن بوضوح در پا بر تحلیلها و استنتاجات رزمندگان دیده میشود، درک نادرست و انحرافی آنان از ساخت جامعه، قانونمندی حاکم بر آن و عملکرد آن و مسئله وابستگی است که اینک بدان خواهیم پرداخت.

★ ★ ★

یکی از مهمترین مباحثی که در بین نیروهای انقلابی جامعه ما در دیرباز مطرح بوده و از اهمیت فوق العاده ای نیز برخوردار است، تحلیل از خصوصیات جامعه، شیوه تولید غالب و ویژگیهای یک جامعه سرمایه - داری وابسته میباشد. شاید احتیاجی به یادآوری نباشد که اکثریت قریب باتفاق نیروهای کمونیستی و انقلابی جامعه ظاهرا به نتایج مشترکی در این زمینه دست یافته و متفقا به "سرمایه داری وابسته ایران" اذعان نموده اند. اما این بدان معنی نیست که این نتیجه گیری بظاهر یکسان و مشترک بر تحلیل و مبانی تئوریکی همسان استوار بوده. از یک بررسی تحلیلی یکسان گذر کرده و نتیجه حاصله، اختلافات گوناگونی را در خود حمل نمی نماید. پس صرف اعتقاد به غالب بودن شیوه تولید سرمایه داری در ایران و وابستگی جامعه کافی نبوده، بلکه باید تحلیلها و نقطه نظرها

چگونگی بررسی طی شده و نتایج حاصله را مد نظر داشت. اینجاست که وجوه افتراق میان این تحلیلها روشن میگردد و دیدگاههای متفاوت از سرمایه داری وابسته ایران و نتایجی که هر یک از آنها در تحلیل مناسبات طبقاتی، استراتژی و تاکتیک ها و ... بدان دست می یابند، آشکار می شود.

رزمندگان نیز به سرمایه داری وابسته ایران معتقد است. اما با دقت در نوشته های ایشان و بویژه در نتایج سیاسی ای که می گیرند (گرچه این نوشته ها نمونه تیپیک دوپهلوگوئی و ابهام است و نتایج سیاسی در میان انبوهی از این مبهم گوئی ها و عدم صراحتها استنتاج میشوند) بوضوح آشکار میگردد که کم بها دادن به وابستگی سرمایه داری در ایران و بطور

کلی جدا دیدن سرمایه داری از وابستگی اساس تحلیلهای این رفقاست. تحلیلهائی که خود ملهم از گرایشات سوسیالیستی رزمندگان است. برای رزمندگان ساخت جامعه ایران سرمایه داری خود بود و مستقل است ولی این مسئله البته مانع از این نمیگردد که آنها فعلا و بنا بر مشخصات آنرا سرمایه داری وابسته بگویند. رزمندگان می نویسند که:

"... اگر کل مناسبات تولید، تشکیل ساخت اقتصادی را میدهد، نمی توان یک جنبه فرعی و تبعی که خودنمائی از این مناسبات و در دل این مناسبات است، برداخت و به این جنبه مناسبات جنبه ای وارد نمود. بعکس با توجه به عملکرد و روند مستقل و دینامیک خود روابط تولید، هرگاه به جنبه های تبعی و فرعی جنبه و روابط بپردازیم (که البته پرداختن به آنها هم ضروری است) هرگز نخواهیم توانست جامعه را بشناسیم. چرا که طبیعت این روابط و طبیعت سرمایه داری که این روابط را عینیت بخشیده است، دوباره رجوع به اصل نموده و وابستگی را هر چند پنهان، کمتر و نکته ای دیگر فرا رمی نماید ..." (رزمندگان شماره ۸ ص ۷، تاکیدها از رزمندگان است و تاکید دوخطی از ماست)

اینکه تکیه بر وابستگی جامعه نمودن و مناسبات تولیدی سرمایه داری غالب بر جامعه را ندیدن دیدی کاملا انحرافی است. یکی نیست، دیدی که بهر حال بوجود نیروی رزواری ملی و مستقل معتقد است اما این

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

رفقا که سعی دارند به جامعه این دیدگاه انحرافی و نظریه وجود "نیروی ملی" با خود و ماهیت را سب - روابط سرمایه‌داری را نشان دهند، خود دچار "حب" روی شده و در عین حال با "زیرکی" خاصی مسئله "سعی و فرعی" بودن و ایستگی را بیان می کنند. سطرا بیان و ایستگی "تابعی از این مناسبات و در دل این مناسبات است" و این روابط تولید عملکرد و روبنای "مستقل و دینامیک" دارند و بالاخره ایستگی و ایستگی جنبه "سعی و فرعی" دارد. چرا؟ برای اینکه "ضعف سرمایه‌داری ایران روابط را عینیت بخشیده است". "مساء" و "مسئله" این دوپهلوگوئی ها چیست؟ اینکه سرمایه‌داری ایران حاصل تکامل خودبسوی جامعه است که در پروسه تکاملی خویش به وابستگی رسیده و این "اتحاد" صورت گرفته است. آنچه که فراموش میشود اینکه غالب شدن سرمایه - داری وابسته اساسا بر مبنای بنیادها و مقتضیات سرمایه مالی امپریالیستی صورت گرفته است و دامان زرمندگان عینی بر تقدم و تاخر سرمایه‌داری و وابستگی نسبت به یکدیگر یک اشکال کوچک دارد و آنهم اینکه واقعیت نداشته و سراسر انحرافی است. آنچه که زرمندگان نمی بینند اینست که به علت رانده شدن شیوه تولید فئودالی و غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرمایه‌داری در جامعه تحت سلطه امپریالیستی ما (می گوئیم غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرمایه‌داری و نه وجود تولید سرمایه‌داری در جامعه) اساسا مبنی بر بنیادها و مقتضیات سرمایه مالی، امپریالیستی و بر اثر "رفرمهای" امپریالیسم آمریکا با کمک بورژوازی کمپرادور و وابسته عملی میگردد. برای زرمندگان مهم نیست که سرمایه‌های امپریالیستی با حربان با قبض در پروسه تولید و بازتولید اجتماعی و اعمال سیاستهای منطبق با مقتضیات سرمایه مالی و هدایت کل سرمایه اجتماعی از طریق دولت، سرمایه های بانکی و ... کنترل تولید و بازتولید اجتماعی را در دست می گیرند و بهمین خاطر بر سیستم توزیع و چگونگی تقسیم کار در تولید نه در جامعه و در آمد ملی تسلط میکردند. اینکه پس از رفرم سال ۴۱ نیروهای مولده در جامعه ما رشد یافته بسیار آشکار است اما اصولا برای زرمندگان اهمیتی ندارد که رشد نیروهای تولیدی جامعه پس از رفرم سال ۴۱ اساسا در رابطه با بنیادها و مقتضیات سرمایه مالی امپریالیستی و در محدوده تقسیم کار جهانی مبتنی بر این بنیادها صورت گرفته، آنهم رشدی شدیدا ناموزون و ناقص که با رشد همه جانبه نیروهای مولده و استقلال اقتصادی جامعه کاملا در تضاد بوده و مانع رشد مناسب و همه جانبه تولید اجتماعی و نیروهای مولد جامعه (حتی در آن حد مناسبی که میتوان از سرمایه‌داری مستقل در شرایط تاریخی رقابت آزاد داشت) میگردد و همین امر نظر زرمندگان را مبنی بر تکامل خودبسو و مستقل جامعه و استقرار سرمایه‌داری مستقل از امپریالیسم با وابستگی "تبعی و فرعی" به بنیادها و اهی مبدل میسازد. زرمندگان بخاطر دیدگاه انحرافی نسبت به چگونگی استقرار و حاکمیت شیوه تولید سرمایه‌داری در جامعه ما و بالطبع نسبت به ساخت جامعه و تاثیرمندی و عملکرد آن، اساسا از درک این مسئله عاجز است که عملکرد قانون اساسی اقتصادی سرمایه‌داری یعنی کسب ارزش اضافی در این ساخت شکل یا مبنی بر دو نیروی ایجاد برای ایجاد است که از طریق صدور و عملکرد سرمایه مالی امپریالیستی در جوامع سرمایه - داری وابسته ساده میشود و اینکه حرکت و عملکرد این ساخت اقتصادی و تاثیرمندی آن اساسا بر این کرایسات و مقتضیات و بنیادهای این سرمایه مالی امپریالیستی است که خود بیانه اساسی وابستگی اقتصادی و سیاسی و ... نظام سرمایه‌داری این کشور جوامع به سرمایه‌داری امپریالیستی (و امپریالیسم مسلط) است. بدین لحاظ مقوله وابستگی در جامعه تحت سلطه و وابسته با شیوه تولید مسلط سرمایه‌داری (و از آن جمله جامعه ما) جزء ارگانیک و لاینفک مناسبات تولیدی سرمایه‌داری حاکم بر کشور است. مناسباتی که چون و چگونگی های عصر امپریالیسم و مقتضیات و کرایسات سرمایه مالی امپریالیستی در رابطه با کشور تحت سلطه و وابسته را دارا می باشد و از این رو وابستگی و سرمایه‌داری در جامعه وابسته در ارتباط ارگانیک با یکدیگر معین یک پدیده واحد یعنی سرمایه‌داری وابسته (سرمایه‌داری در جامعه وابسته و تحت سلطه) است. (۱) اما قضیه به همین جا خاتمه نمی یابد و اینجاست که زرمندگان در تحلیل ساخت جامعه عمیقترا آن اشکه در پروسه‌ها بیرون برند. آنها می گویند:

"... موقعیت یا تکست عملکرد امپریالیسم موکول و منوط بدانست که یا نگاه مناسب در ایران است که بدون وجود این یا نگاه امپریالیسم هرگز نمی - تواند برنامه‌ها و منافع خویش را پیش ببرد. بخصوص که این یا نگاه ناحیه بلا اراده امپریالیسم نباشد و علیرغم وابستگی و تابعیت آن نسبت به سیستم جهانی سرمایه‌داری، دینامیک خاص خود را دارا است. عملکرد امپریالیسم از نظر سلطه و بهره‌کشی بی حساب دقیقا منوط و در گرو آمادگی یا نگاه آن، یعنی سیستم سرمایه‌داری وابسته و طبقه بورژوازی وابسته میباشد. بدون تسلط مناسبات اقتصادی - اجتماعی و طبقاتی خاصی که امپریالیسم از طریق آنها به غارت و بهره‌کشی خود ادامه میدهد و بدون تسلط گروههائی که منافع امپریالیسم را تامین میکنند، امپریالیسم نمی‌تواند سلطه نظام سرمایه‌داری جهانی را بر این کشور اعمال نماید."

(زرمندگان شماره ۱۴ ص ۸ - تاکید از ماست.)

اینکه سلطه و بهره‌کشی و غارت امپریالیسم بر کشور - های تحت سلطه با نظام سرمایه‌داری وابسته دقیقا وابسته به سلطه مناسبات اقتصادی - اجتماعی سرمایه‌داری وابسته است امری آشکار است اما سیستم در پس این کلمه‌های زرمندگان چه دید و تحلیلی نهفته است و نتایج تاکتیکی این تحلیلها چه خواهد بود. بر اساس نقل قول فوق و دیدگاه زرمندگان گویا اینجا سرمایه‌داری در ایران بطور خودبسو تکامل یافته و مستقلا استقرار می یابد و سپس طی روندی وابسته میشود و با ضعف و ایستگی بر آن سوار میشود! و در عین حالی "دینامیک خاص خود را دارا است و ناحیه بلا اراده امپریالیسم" نیست (این معنی که عمدتا دارای استقلال خاص خویش است). در عین حال زرمندگان وقتی از "طبقه بورژوازی وابسته" تحت می کنند ما هم در واقع همین دیدگاه را از جنبه اجتماعی قضیه منعکس میکند و آن اینکه گویا کل طبقه بورژوازی در ارتباط مستقیم و ارگانیک با سرمایه مالی امپریالیستی بوده و یا مغز اشخوان وابسته هستند. اما آیا وضع در جامعه ما براستی چنین است؟ همانطور که قبلا از نظر زرمندگان به تکامل خودبسوی سرمایه‌داری در ایران و سرمایه‌داری مستقل ایران معتقد است پس در اینصورت باید این سئوال که قانون ارزش اضافی در این ساخت در چه شکلی (تشریح مبسوط بود، شود اختصاری، یا ...) خود را نشان میدهد پاسخ دهد و سپس لازم است رفقا بروشنی نظرشان در مورد این پروسه تکامل و غلبه و استقرار سرمایه‌داری در ایران را توضیح دهند و مشخص کنند که آیا نظر آنان این پروسه وجود و بزنگی های وابستگی آن چیزی همانند و صحیح بر سال، اساسا است، چیزی شبیه سوریه و ... است؟ چرا که از نقطه نظر وابستگی در عصر امپریالیسم "سرمایه مالی در کلیه مناسبات اقتصادی و کلیه مناسبات بین المللی آنچنان نیروی بزرگ و مستولی گفت قاطعی است که حتی قادر است دولتهائی را هم که از کانون استقلال سیاسی برخوردارند تابع خود سازد و واقعا تابع میسازد" و "بدیهی است برای سرمایه مالی از همه "راحت تر" و "از همه پرفایده تر

> **زرمندگان نمیزنه سرمایه‌داری وابسته ایران تعمقند است. اساسا دقت در پروسه‌های اساسی و ویژه در تناسخ سیاسی که نمی گیرند اگرچه این پروسه‌ها نمونه‌ها یک دوپهلوگوئی و ابهام است و تناسخ سیاسی در میان انبوهی از این مبهم‌گوئی ها و تعبیرات خاص ها استتار می شوند) بوضوح آشکار میگردد که کم‌بها دادن بدوابستگی سرمایه‌داری در ایران و یا بطور کلی جدا دیدن سرمایه‌داری از وابستگی اساس تحلیل های این رفقاست. تحلیلهایی که خود ملهم از کرایسات ترتسکیستی زرمندگان است.**

(۱) - ما در این مقاله به تغییرات سیاسی بعد از قیام و تاثیراتی که این تغییرات بر حرکت اقتصادی جامعه داشته نمی پردازیم بلکه بطور کلی در مورد ساخت سرمایه‌داری وابسته به طرح نظرمان پرداخته‌ایم.

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

آنجائی تابع نمودی است که با ازدست رفتن استقلال سیاسی کشورها و ملل تابعه توام باشد". "لنین امپریالیسم بمثابه بالاترین مرحله سرمایه داری".

اضافه براین در مقابل استدلال ما که میگوئیم شیوه تولید سرمایه داری اساسا بر مقتضیات و نیازهای سرمایه مالی امپریالیستی و بواسطه تزریم توسط امپریالیسم آمریکا و بکمک بورژوازی کمپرادور و قدرت سیاسی و ماشین دولتی وابسته در جارچوب حفظ سلطه و وابستگی در جامعه ما غلبه یافته و مستقر شده و این غلبه و استقرار حاصل تکامل خودبسوی سرمایه داری در جامعه نیست و عملکرد آن نیز منبعث از منافع و نیازهای سرمایه مالی امپریالیستی و سرمایه انحصاری وابسته بوده است، زرمندگان چه استدلالی دارد؟ چرا بطور واضح نمی گویند که نیروئه استقرار سرمایه داری از نظر ایشان چگونه بوده است و بطور مبهم و دوپهلو و در لفافه این نیروئه را تصویر میکند؟

مسئله دیگر در نقل قول فوق، طبقه بورژوازی است نظریه و دیدگاه زرمندگان در مورد نیروئه غلبه و استقرار و کیفیت سرمایه داری در ایران از زمانه وابسته بودن کل طبقه بورژوازی ایران (از همان نوع وابستگی مورد نظر زرمندگان) می آنجا مدولی زرمندگان با "زرنگی" و با تاختن کل طبقه بورژوازی با عنوان وابسته دو هدف را دنبال میکند: اول اینکه تفاوت میان بورژوازی کمپرادور، لیبرال و کوچک را محدوش سازد و نتایج سیاسی تئوریهای خویش را در پوشش نگهدارد و ثانیا برای پرده پوشی مسئله اول نیز توجیهی داشته باشد که این توجیه نیز یکی آنها در پوشش جمله به مستقیم "طبقه بورژوازی وابسته ایران" تحت عنوان "تطهیر بخشی از بورژوازی" و اعتقاد به وجود بورژوازی ملی" بدست می آید. اما واقعیت چیست؟ واقعیت اینست که کدرجه کسب ارزش اضافی (سودآوری) اقشار مختلف سرمایه در این ساحت، وابسته به مناسبات تولیدی موجود بوده و همین امر باعث وابستگی اقشار مختلف بورژوازی به این سیستم را بیان می نماید و کدرجه اقشار مختلف بورژوازی بدلیل اشتراک منافع در استثمار شدید نیروی کار و کسب سود هرچه بیشتر توانسته اند منافع نظام اقتصادی سرمایه داری وابسته اند و حتی به وحدت آنها در مقابل طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان غالب است، اما (و این اساسی است که زرمندگان نمی بینند) در عین حال نمیتوان بورژوازی کمپرادور یا صاحبان سرمایه های انحصاری وابسته و نمایندگان سیاسی آنها را که منافع استوار و وابسته به امپریالیسم و کارگزار آن هستند را با صاحبان سرمایه های متوسط و کوچک (منظور لایه های پائین سرمایه متوسط است) یکسان پنداشت. علت این امر روشن است زیرا اولا بورژوازی متوسط و کوچک کارگزار امپریالیسم و نه منافع استوار و وابسته به آن نبوده بلکه از یکسو علت وابستگی کسب ارزش اضافی و سودآوری سرمایه شان به مناسبات موجود، وابسته محسوب میگردند و از سوی دیگر گرایش لیبرالی بورژوازی متوسط به تعدیل سلطه انحصارات در زمینه های مختلف منفع سرمایه های متوسط و غیرانحصاری و تمایل به تعدیل سلطه فائقه یک امپریالیسم و تبدیل آن به شراکت با چند کشور امپریالیستی و کوشش آن برای سهمبری و حضور در قدرت سیاسی بمنظور پاسخ به این خواستها،

آنها را در مقابل تمایل و گرایش سرمایه مالی امپریالیستی و سرمایه انحصاری وابسته، به حاکمیت انحصاری و کسب سود فوق انحصاری قرار میدهد و همین امر باعث عینی تمایلات متضاد و تفاوت میان آنها است تفاوتی که نمیتوان آنرا نادیده گرفت.

اما تمایز احساسات باید براین تحلیلها حسب و جرا زرمندگان جاده ای جریدترین آنها و از این رو بدترین تناقضات آنها را ندارد؟

دیدیم که ساحت جامعه برای زرمندگان سرمایه داری وابستگی برای این رفقا علیرغم تذکرات مکررشان در باره حضور ارگانیک امپریالیسم "جبری" فرعی و تبعی است که دلرو ما تبعیتی با سرکیفی و تعیین کننده در حرکت جامعه داشته باشد. جرا که روابط تولید موجود "عملکرد و روند مستقل و دینامیک"

> آنچه که زرمندگان نمی بینند اینست که تداعت را بدون شیوه تولید فئودالی و غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرمایه داری در جامعه تحت سلطه امپریالیستی ما (می گوئیم غلبه و حاکمیت شیوه تولید سرمایه داری و تداوم تولید سرمایه داری در جامعه) اساسا متبنی بر نیازها و مقتضیات سرمایه مالی امپریالیستی و براثر "رفرمهای" امپریالیسم آمریکا با کمک بورژوازی کمپرادور و روند انکشاف قدرت سیاسی و ماشین دولتی وابسته عملی می گردد.

دارد و با زیر اساس گفته خود این رفقا هرکاه به جنبه های "فرعی و تبعی" یعنی وابستگی بپردازیم "هرگز بخواهیم بواسطه جامعه را تغییر دهیم". البته رفقا تذکر میدهند که "البته بر داخش بدآنها هم ضروری است" ولی بنظر ما اینکوته "برداخش" زرمندگان نیز همانند برخورد راست روانه ای که فقط بروابستگی و مسئله سلطه امپریالیسم نظر و یک جانبه نگه میکند عملا جبری جرحدا دیدن وابستگی و تبعی و فرعی کردن آن و نگه یک جانبه بر سرمایه داری جامعه نیست.

"براساس نظریات زرمندگان ما با جامعه ای سرمایه داری روبرو هستیم و بهمین خاطر مسئله انقلاب ایران "نابودی سیستم، نابودی روابط غارتگرانه و ستمگرانه طبقاتی" (یعنی روابط سرمایه داری) است و "طبقه بورژوازی باید نابود شود". (توجه شود که این وظیفه مستقیم و در دستور برای مرحله فعلی است که میگوئید "نابود" و نه سرنگون، در مورد فرق این دو. و اصولا در این زمینه در جای دیگر سخن خواهیم گفت) بنابراین زرمندگان میتوانند با این تئوری خود باید مرحله انقلاب ایران را سوسیالیستی بدانند نه دمکراتیک - ضد امپریالیستی (درگذشته ارائه شده انقلاب با مضمون سوسیالیستی و شکل دمکراتیک رفقا نیز نتیجه اجتناب ناپذیر همین تفکر و نگرش بوده است). البته با حمله به انقلاب دمکراتیک "متعارف" و با تکرار صرف پاسخ کاتوتسکی به پلخانف بدون اینکه در نظر بگیرند که پلخانف با سئوالات خود از کاتوتسکی چگونه مرزها را مخدوش میکند و کاتوتسکی چگونه در حد خویش پاسخ روشنی به مسائل جامعه روسیه

میدهد، نمی تواند قضیه را لاینحل سازد. زرمندگان نمیتوانند یک نیروی سیاسی با تدابیر روشن برای مسائل استراتژیک و تاکتیکی داشته باشد و از نیرو نمیتوانند به کلی نافی و مبهم گوئی، تبعی کاری که تا کنون کرده است، اکتفا کند. ما از زرمندگان میپرسیم حکومت با این نظر کروه سه نیروئی "سازمان وحدت کمونیستی" که معتقد است "از این رویزیونیست های رنگارنگ باید پرسید که انقلاب اجتماعی تمام چه چیزی را میخواهد عوض کند؟ اگر امحاء مناسبات سرمایه داری و سلطه طبقه سرمایه دار را هدف دارد پس چرا انقلاب سوسیالیستی نمی گذارند و اگر اینها هدف نیستند پس چرا آنرا انقلاب اجتماعی میخوانند؟ آیا این نیست که شما جاهلانه با عوام فریبانه میکوشید جدائی یک انقلاب سیاسی را بعنوان یک انقلاب اجتماعی جا بزنید و بدینوسیله ماهیت سازشکار و رفرمیست خود را بپوشانید؟" (انقلات سوسیالیستی یا دمکراتیک - صفحات ۵۷ و ۵۸) مرزبندی میکنند. راستی اگر زرمندگان اختلاف نظری با نقل قول بالا ندارند (که بجا طرح تحلیل آنان از ساحت جامعه معتقدیم چنین اختلاف نظری وجود ندارد) چرا آنگاه با آنان هم صدا نمی شوند؟ چرا زرمندگان در تحلیلها و تبلیغات و نوشته های تروتسکی این از مرحله فعلی انقلاب بصراحت سخن نمی گویند؟ چرا منجدین پرولتاریا را در این مرحله انقلاب شان نمیدهد؟ و بسیاری چراهای دیگر. ممکن است زرمندگان معتقد باشند که مرحله انقلاب هم قبل و هم بعد از قیام سوسیالیستی بوده و هست (ما می گوئیم ممکن است و آنهم با توجه به احتمالات! اما این احتمال هم وجود دارد که زرمندگان مجددا به کشف تازه ای برسند و یک انقلاب دمکراتیک با سوسیالیستی غیرمتعارف! (از همان نوع مضمون سوسیالیستی و شکل دمکراتیک) (۲) عرضه کنند، باید صبر کرد و دید) در اینصورت روابط طبقاتی و طرفینهای سیاسی جامعه را تا قبل از قیام و شرکت اقشار مختلف خرده بورژوازی حتی خرده بورژوازی مرفه را در انقلاب، اگرچه بطور

---

(۲) - اینکه ما پیوی این "پوچ" اشاره می کنیم بدین خاطر است که رفقای زرمندگان قبلا این نظریه را جزء نظرات درونی در سطح جنبش پخش کردند و با عتقاد ما همان دیدگاه امروز زرمندگان غالب است و بدون مرزبندی و نقد نظرات ارائه شده قبلی بطور پوشیده همان نظریه را ترویج می کند.

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org

تا بپگیر ،چگونه توضیح میدهد؟ آیا رزمندگان هیچ انقلاب سوسیالیستی سراغ دارد که خرده بورژوازی مرفه درآن شرکت کرده باشد؟ واگر این رفقا معتقدند که پس ازقیام مرحله انقلاب عوض شده وسوسیالیستی است ، مبنای تحلیلشان را کدام تغییر در مبانیات اساسی طبقات تشکیل میدهد؟ مسئله دیگری که درک انحرافی رزمندگان از ساخت جامعه دربای خویش را بوضوح در آنهم نشان میدهد ،مسئله مبارزه طبقاتی ومبارزه ضد امپریالیستی است .رزمندگان بدرستی میگوید :

"مبارزه علیه امپریالیسم از مبارزه علیه سرمایه ـ داری وابسته به امپریالیسم جدا نیست ".

اما خود این رفقا درک درستی از مفهوم ومحتوی این امر را ارائه نمی دهند .آنها که وابستگی را از سرمایه داری جدا میکنند ،طبیعی است که نتوانند ارتباط میان مبارزه ضد امپریالیستی ومبارزه طبقاتی را درجامعه وابسته بدرستی درک کنند . رزمندگان که میکوشند با رویزیونیست ها وراپیکراتیان مرزبندی کنند ،خود دچار انحراف "چپ گراتیانه" رویزیونیستی میشود .رویزیونیست های قدیم و جدید ظاهرا مبارزه طبقاتی را تابعی از مبارزه ضد امپریالیستی دانسته وعبور همه چیز را از مسئله "مبارزه ضد امپریالیستی" ضروری میدانند ،وبه آن موکول می ـ کنند ولی واقعا مبارزه طبقاتی را تابع وسیله نمی و تاریخ طبقاتی را تبلیغ میکنند .اما جریانات "چپ" دچار انحراف دیگری شده ومبارزه ضد امپریالیستی را تابعی از مبارزه طبقاتی تصور میکنند .این جریان نیز عملا قادر نخواهد بود مبارزه مورد نظر خامه عمل بپوشاند وبه مبارزه لطمه میزند .زیرا در جامعه تحت سلطه با نظام سرمایه داری وابسته همانطور که سرمایه ـ داری ووابستگی در ارتباط ارگانیک ولاینفک با یکدیگر قرار دارند ،بلحاظ استراتژیک مبارزه ضد امپریالیستی وطبقاتی نیز پیوندی ارگانیک و جدائی ناپذیر با یکدیگر دارند .

رفقای رزمندگان نیز با گرایش "چپ" خود علیرغم تاکید بر جدا نبودن مبارزه علیه سرمایه داری وابسته وامپریالیسم از هم معتقدند که :

"تجاوز امپریالیسم ،برای ما به معنی همزمانی مبارزه ما است .ضعف یا قوت مبارزه بطور مشخص علیه یکی به معنی نادیده گرفتن وفراموش کردن دیگری نیست ". (رزمندگان شماره ۹ صفحه ۲۱ ـ تاکید از ماست).

بحوی آشکار است از آنجا که رزمندگان معتقدند تکامل خودبوی سرمایه داری در ایران وبروز استقرار وعلیه مستقل آن است .لذا عملا حضور امپر ـ یالیسم ومبارزه ضد امپریالیستی توده ها در این رابطه نیز بشکل دخالت منفعل وتجاوز آشکار امپریالیسم مفهوم می یابد وتجاوز آشکار امپریالیسم در یک جامعه سرمایه داری وابسته به معنای اهمیت یافتن جنبه وابستگی در مبارزه وهمراری آن با سلطه سرمایه در مبارزه طبقاتی وضد امپریالیستی برای نابودی سرمایه داری وابسته وسلطه وسقوط امپریالیسم بوده ولذا باعث "همزمانی" مبارزه علیه این دوتلقی میشود .

با این تلقی ازتجاوز امپریالیستی است که مبارزه ضد امپریالیستی با مبارزه طبقاتی "همزمان" میشود .اینجاست که اهمیت وخطلت استراتژیک مبارزه برای کسب استقلال سیاسی ،اقتصادی و... برعلیه امپریالیسم ووابستگی وسرمایه داری وابسته به حدیک جنبه تاکتیکی درحالتی که امپریالیسم دست به تجاوز آشکار نظامی میزند نزول میکند .این امر چیزی جز نتیجه سیاسی وانعکاس "جنبه فرعی وتبعی" وابستگی نیست به مسئله روابط سرمایه داری درجامعه سرمایه داری وابسته ،در عرصه سیاسی ومحدود کردن استراتژی وتاکتیک نیست .

ارائه این "تز" مبنی بر نظریه وتئوری رزمندگان اگر قبل از قیام در برخورد با واقعیات آشکار به تناقض برمیخورد ،در شرایط بعد از قیام ودر نتیجه نبودن "امپریالیسم" از "سیستم" پس میگیرند وما هم درمقابل حرف خودشان را برای این رفقا تکرار میکنیم وآنهم اینکه :

"...جدا کردن وابستگی از سیستم اقتصادی ـ سیاسی حاکم بر ایران جز بنفع بورژوازی بنفع هیچ طبقه دیگری نیست" (رزمندگان شماره ۸ صفحه ۶)

آری ، رفقا مبارزه طبقاتی از مبارزه ضد امپر ـ یالیستی جدا نیست وبدون نابودی سرمایه داری وابسته وسلطه سرمایه قطع وابستگی هم ممکن نیست ، اما چه سود که شما گرچه این مسائل را در حرف عنوان میکنید ،ولی هنوز بدلیل التقاط در تئوری مربوط به ساخت سرمایه داری وابسته وروابط طبقاتی در این تغییرات سیاسی ای که بوجود آمده (بدون اینکه این تغییرات در وضعیت سیاسی واجتماعی ضمن تغییر هدف استراتژیک ومرحله انقلاب باشد منتها این تغییرات وظایف جدیدی را بلحاظ تاکتیک موجب گردیده است) شما تمرین در وهله نخست تا حدی مخفی وپیچیده و پوشیده میماند .تا این نیز نیست علیرغم اینکه رفقا می ـ گویند :

"...اشتباه بزرگی است که هر آینه ما با تلقی مکانیکی از عملیاتی "امپریالیسم" بعنوان نیروی جدا از سیستم تاکتیک واستراتژی خود را تبیین کنیم" (رزمندگان شماره ۱۴ صفحه ۸) خود با تئوری خویش در مورد ساخت جامعه وروابط طبقاتی آن عملا مرتکب این اشتباه بزرگ میشوند وبا جدا کردن وابستگی از سرمایه داری وجنبه تبعی وفرعی قائل شدن برای وابستگی کلیه های خود را هم در مورد جدا ساخت مفهوم آنها را بدرستی درک نکرده اید .

بعنوان موخره اضافه کنیم که اصولا نبود درک صحیح وروشن از سرمایه داری وابسته ومکانیسم آن تحت عملکرد همین تئوری همیشه سبب به "چپ" وراست رفتن رزمندگان شده است .این رفقا که روزی بخاطر همین درک نادرست در جرگه "بین بینی وضعیت سیاسی آینده ..."براست افتاده ووجود بورژوازی ملی را می پذیرفتند ،امروز با زهم بخاطر همین درک نادرست به "چپ" در غلطیده وبتحلیل شبه ترتسکیستی از ساخت جامعه ایران ،مرحله انقلاب و... ارائه میدهند ،"چپی" که لزوما در عمل نطفه های راست آن از هم اکنون (رزمندگان شماره ۱۳) آشکار شده است .

این بحث را در آینده ودر زمینه های دیگر نیز ادامه خواهیم داد .

اصولا نبود یک درک صحیح وروشن از سرمایه داری وابسته ومکانیسم آن تحت عملکرد همین تئوری همیشه سبب به "چپ" و راست رفتن رزمندگان شده است .این رفقا که روزی بخاطر همین درک نادرست در جرگه "بین بینی وضعیت سیاسی آینده ..."براست افتاده و وجود بورژوازی ملی را می پذیرفتند ،امروز با زهم بخاطر همین درک نادرست به "چپ" در غلطیده وبتحلیل شبه ترتسکیستی از ساخت جامعه ایران ،مرحله انقلاب و... ارائه می دهند .

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهء کارگر
www.peykar.org